

«انقلاب خورشیدی» با واردات چینی

کارشناسان طرح دولت را نه «انقلاب» بلکه «تبلیغ زودهنگام»، «پروژه‌های ناقص» یا حتی «تکرار اشتباهات قدیمی» می‌دانند

۵

«پیام ما» جزئیات آتش‌سوزی و زندگی «حمید مرادی» را گزارش می‌دهد

بازیگر هالیوود نبود «عاشق» زاگرس بود

۳

صدها فلسطینی در ماه گذشته در نزدیکی مراکز کمک‌های مواد غذایی کشته شده‌اند

کمک‌رسانی مرگبار به گرسنگان غزه

در پی افزایش بحران انسانی در غزه، موضوع به‌رسمیت شناختن دولت فلسطین در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است

۶



۶

یادداشت

تهران
سرمایه آبی خود را خورده است؟

امیر جعفری آزاد |
جامعه‌شناس و پژوهشگر آب و انرژی |

یادداشت

فرزندان ایران
در آتش بی‌تدبیری می‌سوزند

امید سجادیان |
دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس |

روزنامه

سایه‌ما

سال بیست‌ونیم | شماره پیاپی ۳۱۸۳ | یکشنبه ۵ مردادماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان

www.payama.ir

زنان و کودکان در صف آب زیرگرمای ۵۰ درجه

بی‌آبی سوزان خوزستان



۵

سیدحاجت موسوی - ایسنا

۴

۵

یادداشت

غم‌نامه‌ای برای زاگرس، برای آبی‌ر سندانج و مرگ داوطلبش در آتش

فرزندان ایران در آتش بی‌تدبیری می‌سوزند



امید سجادیان |

دبیر تشکل نهضت سبز زاگرس |

فارس، لرستان، کهگیلویه‌بویراحمد و هر گوشه این خاک مقدس که ادامه دارد. قصه فرزندان زاگرس که در آتش بی‌تدبیری می‌سوزند و خانواده‌هایی که داغ فرزندانشان چنان سنگین است که همچون پدر حمید در غم فرزندش سکنه می‌کند یا در خانواده بهزادی مادر سکنه می‌کند. غم‌نامه به اینجا ختم نمی‌شود. شهدایی که ما می‌گوییم شهید، دولتی‌ها می‌گویند فداکار خدمت، تازه اگر شرایط اداری را داشته باشد. بله، البته تشخصیص دهند!

شهدایی که نان‌آور خانواده بودند یا سرپرست خانواده، بعد از آنها خانواده‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شوند. مشکلات مالی بخشی از ماجرا است. جای فرزند، شوهر، پدری که به آسانی پر نمی‌شود، نباید رها شوند، حمایت نیاز دارند.

با حمید، آمار شهدای زاگرس از بیست نفر گذشت. این تعداد در آتش‌سوزی‌های زاگرس فقط طی سال‌های اخیر جان باخته‌اند. البته آمارها در تعداد کمی متغیر هستند، اینکه آقایان چه کسی را داوطلب تشخیص دهند و چه کسی را نه، خودش اول ماجرا است! آن‌هم برای کسانی که جان خود را فدای جنگ‌گرا کردند. جای خالی آنها هیچ‌وقت پر نمی‌شود؛ با هیچ چیز و هیچ‌کس...

در زاگرس، تنها درختان نیستند که می‌سوزند. درخت می‌سوزد، خاک می‌سوزد، فقط شعله‌های آتش نیست که جان می‌گیرد، اینجا شعله‌های بی‌برنامه‌ای، شعله‌های بی‌تدبیری و شعله‌های بی‌مسئولیتی هم هستند که هر روز می‌سوزانند و کسی پاسخ نمی‌دهد. آتش که رحم ندارد. می‌سوزاند هر آنچه جلوی‌ش باشد. آتش رحم ندارد، ما چرا بی‌رحم شده‌ایم؟ ما چرا برنامه داریم؟ حادثه در هر عملیاتی ممکن است رخ دهد، ولی نه در عملیاتی که نیروی آموزش‌دیده و تجهیزات داشته باشد و در یک سیستم مشخص کار عملیاتی انجام دهد. این نوع تلفات در هیچ برنامه‌ای عادی نیست؛ چون برنامه‌ای نیست. وقتی از برنامه حرف می‌زنیم، مدیران گلو صاف می‌کنند، ما را متهم به نداشتن برنامه می‌کنند، در جلسه‌ها از مشارکت می‌گویند و از برنامه، راست می‌گویند برنامه لازم است، ولی چرا اجرا نمی‌شود؟! کافی است یک سؤال ساده بپرسیم: کو نتیجه این‌همه برنامه و مشارکت؟ کدام مشارکت؟ نه در برنامه‌های پیشگیری، نه کاهش تعداد آتش‌سوزی‌ها، نه در کاهش وسعت حریق‌ها، نه در کاهش تلفات انسانی و نه در بهبود

تحلیل داده‌ها، نقشه‌برداری و تصمیم‌سازی، پشتیبانی یعنی تأمین منابع انسانی، لجستیکی، مالی و فنی بموقع، بدون این ارکان، آنچه هست، فقط آشوبی واکنشی است، نه مدیریت. مدیریت، برنامه بدون این ساختار، فقط یک سند اداری است. مشارکت بدون نقش واقعی مردم، فقط واژهای زیبا در گزارش‌ها است. ما از مدیران نمی‌خواهیم معجزه کنند، اما انتظار داریم سیستم داشته باشند؛ یعنی فکر کرده باشند، پیش‌بینی کرده باشند، وظایف را شفاف کرده باشند و پاسخگو باشند.

وقتی سیستم نباشد، هر سال دوباره باید عزاراد شویم. دوباره باید خاکستر جمع کنیم، تابوت بریم، شهید خاک کنیم و همه‌چیز فراموش شود تا فصل گرمای بعدی و آتش‌سوزی بعدی. این سامانه‌های هشدار سریع، بررسی دلایل، برنامه‌های نیروهای دولتی و آموزش گروه‌های داوطلب محلی در صورت لزوم و نیاز با یک سامانه‌ی مشخص، استفاده از فناوری‌های مدرن نظیر پهپادهای پایشی، بالگردهای تخصصی و سامانه‌های هشدار سریع، بررسی دلایل، برنامه‌های اقدام و برخورد شفاف با عوامل انسانی آتش‌افروز و تدوین یک مدل بومی متناسب با شرایط اقلیمی و اجتماعی ایران، گام‌های ضروری برای خروج از وضعیت فعلی‌اند.

ما امروز نه‌فقط در برابر یک بحران طبیعی، که در برابر یک تراژدی مدیریتی مداوم ایستاده‌ایم. تراژدی‌ای که سال‌به‌سال تکرار می‌شود، اما گویی هیچ‌کس قصد اصلاح آن را ندارد. آتش‌سوزی در زاگرس، با مختصات خاص جغرافیایی‌اش از شب‌های تند، کوه‌های خشن هرگز یک حادثه ساده یا قابل پیش‌بینی نبوده است.

در زاگرس حتی کوچک‌ترین آتش‌سوزی، می‌تواند ظرف چند ساعت، به بحرانی غیرقابل کنترل تبدیل شود. آتش در این منطقه، تابع مساحت نیست، بلکه تابع توپوگرافی خشن، باد، پوشش، دما و سرعت واکنش است. چه نهادی پاسخگوی آتشی است که هر سال هزاران هکتار از جنگل‌ها و مراتع ارزشمند را طعمه حریق قرار می‌دهد و از بین می‌برد؟ پاسخگوی جان مردمی که هر سال در این نواحی در ارتفاع نادرست رها می‌کنند یا فاقد ناوبری دقیق‌اند.

نگویند که نمی‌دانید. صدها بار نوشته‌ایم، برنامه ارائه دادیم، نمونه اجرایی دادیم، در جلسه‌ها دادیم، مطالبه کردیم، ولی صدای زاگرس در صورت‌جلسه اداریت گم می‌شود؛ همان‌گونه که نام شهدا و خانواده‌هایشان گم می‌شوند. می‌گوییم این شیوه مدیریت بحران نیست! اولویت نیست! اگر اولویت بود، بیمه داوطلبان، بیمه و دیه شهدا در پیچ‌وخم ادارات گم نمی‌شد.

آنچه در آید رخ داد، صرفاً یک حادثه نبود، نمونه‌ای از فقدان یک سیستم ملی اطفای حریق ساختاریافته بود؛ سیستمی که شامل پایگاه‌های محلی، یگان‌های آموزش‌دیده، تجهیزات حرفه‌ای، سامانه‌های هشدار سریع و تقسیم وظایف شفاف باشد. در بسیاری از کشورهای موفق مانند فنلاند و هند، ساختارهایی ترکیبی و مشارکتی شکل

خبراش

خواسته رئیس‌جمهور از وزارت خارجه

مسیر بازگشت ایرانیان مقیم خارج هموار شود

ایپام ما | رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه «ایرانیان خارج‌نشین، سرمایه‌های ملی‌اند و باید امکان بازگشت داوطلبانه آنها فراهم شود»، از ضرورت تغییر نگاه در حکمرانی، واگذاری اختیار به مسئولان، تقویت ارتباط با مردم و ارتقای روابط با کشورهای همسایه سخن گفت و تأکید کرد: «من فرد خاصی نیستم که رئیس‌جمهور شده‌ام؛ هر کدام از مدیران می‌توانند کارستان کنند». در نشتی که صبح دیروز برگزار شد، مسعود پزشکیان با حضور در جمع معاونان و مدیران وزارت امور خارجه، به بیان دیدگاه‌های خود درباره شیوه اداره کشور، وظایف دولت و نقش دستگاه دیپلماسی پرداخت. او تأکید کرد: «ما در مقابل جامعه مسئول هستیم، من فرد خاصی نیستم. هر کدام از استانداران، مدیران و وزرا می‌توانند با احساس مسئولیت در حوزه خود، کاری انجام دهند که کارستان باشند. پزشکیان با اشاره به تجربه شخصی‌اش در عرصه سیاست گفت: «حدوداً یک‌سال پیش من نماینده بودم. بارها گفتم که تازه خیلی هم بنده را در دوران نمایندگی تحویل نمی‌گرفتند. امروز رئیس‌جمهور شده‌ام، ولی هنوز همان آدم هستم. فقط بار مسئولیت من خیلی سنگین‌تر شده. دینی که نسبت به این مردم در خود احساس می‌کنم، اگر خداوند کمک نکند، ناتوان می‌مانم». براساس گزارش ایرنا، رئیس‌جمهور در بخشی از سخنانش با انتقاد از ساختارهای موجود تأکید کرد: «ما مسئولیت می‌دهیم، اما اختیار نمی‌دهیم؛ بعد انتظار پاسخگویی هم داریم. طبیعتاً این‌گونه نمی‌شود. اگر می‌خواهیم پاسخگو باشیم، باید اختیار هم بدهیم. استانداران باید به فرمانداران اختیار بدهند و ما هم به مدیران استانی خود. مملکت این‌گونه درست می‌شود». او همچنین از مدیران وزارت خارجه خواست در روایت‌سازی فعال‌تر باشند و افزود: «اگر پیشنهادی دارید، ارائه کنید. روایت‌سازی را شما شروع کنید و ما هم در سایر نهادها و بخش‌های ارتباطی، کمک خواهیم کرد. رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها باید به‌صورت سیستماتیک در این مسیر حرکت کنند.» پزشکیان با تأکید بر ضرورت تحول فکری در نحوه اداره کشور گفت: «اگر قرار باشد با نگاه گذشته تغییر ایجاد شود، تا به‌حال شده بود. باید نگاه‌ها را تغییر دهیم. برای این تغییر نگاه باید اول به خودمان رجوع کنیم. ما با کمک شما و مردم عزیز و تغییر این نگاه، در اولویت نخست، روابط کشور را با همسایگان ارتقا خواهیم داد.» او از وزارت امور خارجه خواست تعامل با همسایگان را در اولویت قرار دهد و گفت: «ارتقای روابط با کشورهای همسایه مثل ترکیه، آذربایجان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و عراق و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس باید به‌شکل جدی‌تری پیگیری شود. ما می‌توانیم خیلی بیش از اینها در این روابط موفق باشیم. اصلاً نیازی نیست نگاهمان را معطوف به کشورهای دورتر کنیم.» پزشکیان همچنین به موضوع ایرانیان مقیم خارج اشاره کرد و گفت: «باید چارچوبی ترسیم کنیم که ایرانیان خارج از کشور بتوانند راحت به ایران بیایند. خیلی‌ها هستند که دلشان برای این کشور تنگ شده، اما بدلیل برخی ملاحظات، باز نمی‌گردند. باید با قوه قضائیه و وزارت اطلاعات صحبت کنیم تا این عزیزان با اطمینان خاطر به کشور بازگردند. این افراد سرمایه‌های ملی هستند.» او از معاونان وزارت خارجه خواست تا شرایط بازگشت داوطلبانه ایرانیان مقیم خارج را فراهم کنند و از تجربیات و توانمندی‌های آنها در مسیر توسعه استفاده شود.

۵



—

جایزه بگیرها گزارش پایداری نمی‌دهند

از صد شرکت برتر ایران، تنها ۱۹ شرکت گزارش مستقل پایداری منتشر کرده‌اند

مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و گزارش‌دهی پایداری از اساس ابزارهایی کلیدی برای جلب اعتماد ذی‌نفعان و پیشبرد توسعه پایدار بوده و هستند. اما به‌نظر می‌رسد این مفاهیم در فضای اقتصادی ایران به ابزاری برای تبلیغات و سبزشویی بدل شده‌اند؛ چنانکه حتی جشنواره‌های برطمطراقی برای اهدای جوایز به شرکت‌هایی برگزار می‌شود که حتی در الفبای مسئولیت اجتماعی شرکتی لکنت دارند.
امسال نیز همچون چهار سال گذشته «جشنواره روابط عمومی و مسئولیت اجتماعی» فراخوان داده است تا صد شرکت کشور حضور به‌هم رسانند و عنوان «برند خوب» را به همدیگر ارزانی دارند. این جشنواره‌ها و القاب و عناوین درحالی با بوق و کرنا و افتخاربرگزار می‌شوند که هیچ‌کس غیر از برگزارکنندگان نمی‌داند که کدام شرکت به فراخور کدام فعالیتش شایسته تقدیر می‌شود و نقش ذی‌نفعان (به‌جز مدیران و حلقه نزدیک) در انتخاب این شرکت‌ها چیست. پیش‌ازین، مؤسسه «ندای توسعه» در گزارشی مستقل و داده‌محور از خلا بزرگ اطلاع‌رسانی سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی در حوزه مسئولیت اجتماعی و پایداری برده برداشته است؛ گزارشی که اگرچه آغاز راه است، اما صدای زنگ بیدارباشی است برای بخش خصوصی و سیاستگذاران.

در جهانی که شفافیت و پاسخگویی سازمان‌ها به ذی‌نفعان به امری بنیادین تبدیل شده است، افشای اطلاعات مرتبط با مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) و پایداری (Sustainability) اقدامی داوطلبانه نیست؛ بلکه نشانی است از بلوغ مدیریتی و تعهد به توسعه پایدار.

«ندا کردونی»، مشاور پایداری و مدیرعامل موسسهٔ «ندای توسعه»، درباره وضعیت افشای اطلاعات و ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکتی در کشور می‌گوید: «به‌طورکلی در ایران داده‌های کافی درباره این حوزه وجود ندارد. انتظار می‌رود هر سال یک گزارش ارزیابی در این حوزه منتشر شود و نه‌ای مسئولیت آن را برعهده

بگیرد، اما تعداد این گزارش‌ها اتقدر کم است که عملاً هیچ‌کس در این زمینه نمی‌کند. این نیاز به‌ویژه زمانی مشهود می‌شود که بخواهیم سیاستگذاری کنیم یا این حوزه را ترویج دهیم و باید از وضعیت دولت‌ها و سازمان‌های عمومی در این زمینه آگاه باشیم.» او می‌افزاید: «من این موضوع را از تجربه‌هایم در مرکز



| فرح ابوطالبی |

| پژوهشگر فرهنگی |

یادداشت

بحران آب پایتخت و فرصت بازنگری و تغییر

تهران؛ سرمایه آبی خود را خورده است؟



| امیرجعفری آزاد |

| جامعه‌شناس و پژوهشگر آب و انرژی |

در روزهایی که گرمای طاقت‌فرسا، گنبد خود را روی تهران بنا کرده و دمای هوا از مرز ۴۰ درجه عبور کرده، این شهر نگران تأمین آب و روزهای پیش روی خود شده است. شیره‌های آب اما با فشاری کم و سدایی ضعیف‌تر از همیشه می‌چکند و خیرها همه از مهر و آبان نگران‌کننده در این شهر می‌گویند. صدای آب، این‌بار یک هشدار جدی با خود دارد. اینکه تهران، پایتخت کم‌تحمّل ایران، این روزها به ته خط آبی رسیده است. پشت سدهای نیمه‌خالی، خشکسالی پنج‌ساله‌ای ایستاده که با بی‌سابقه‌ترین کاهش ورودی آب به سدهای پایتخت گره خورده؛ اما شاید همه ماجرا فقط درباره آسمان قضایی تقدیم نماید.

ردیف ۱ – برابر رای شماره ۵۵۰۳ مورخ ۱۳۰۴/۰۲/۲۷ هیأت اول مالکیت آقای محمود اکبری به شناسنامه شماره ۲۰۵۷کدملی ۱۲۸۳۰۴۶۹۶۲ فرزند عبدالله درشددانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۱۲۸/۵۰ متر مربع پلاک شماره ۸۳۰ و ۱۵۳۳۰ فرعی از اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان با قید به مقدار ۳۳/۵ متر مربع از پلاک ۱۲/۸۳۰ و مقدار ۹۵/۴۵ متر مربع از پلاک ۱۲/۱۵۳۳ کلرا ثبت در دفتر املاک تأیید و محرز گردیده است.

شهریاری – رئیس منطقه ثبت اسناد و املاک غرب اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
شناسه آگهی: ۱۹۷۱۳۳۳

چرا این اتفاق افتاده است؟

این یک بحران چندوجهی است و عمیق، نخست، اقلیم خشک و ناپایدار تهران است که در یک دهه اخیر با گرم‌شدن زمین، گرم‌تر و خشک‌تر شده است. دوم، توسعه افسارگسیخته شهری، بدون توجه به توان بوم‌شناختی منطقه و سوم، حکمرانی آبی که بیش‌ازحد «سازم‌محور» و «عرضه‌محور» بوده و کمتر به مدیریت تقاضا و تغییر رفتار توجه کرده است.

در شعاع ۱۵۰ کیلومتری پایتخت، تقریباً هر منبع آبی‌ای که وجود داشته، مهار شده یا با سد یا با طرح انتقال آب. در عوض، توجهی به مصرف بی‌قاعده در بخش خانگی، کاهش هدررفت و آب به‌حساب‌نیامده، گسترش بسیار زیاد مصرف‌کننده آب در شهرک‌های اقماری و اولویت ندادن به تجهیزات مصرف بهینه آب نشده است. تهران هر سال چیزی حدود ۱.۳ میلیارد مترمکعب آب مصرف می‌کند. شبکه پنجاهساله فرسوده‌اش با اختلاف ارتفاع ۹۰۰ متری بین شمال و جنوب، در فشار بالا آب زیادی را هدر می‌دهد. درنتیجه، امروز کاهش فشار آب در شبکه نه یک انتخاب، که یک تصمیم ناگزیر فنی برای کنترل نشت و مصرف است.

از آسمان نبراید؛ در زمین چه کردیم؟

تهران در سال‌های اخیر، مثل یک کسب‌وکار بی‌درآمد، از سرمایه خورده است. این سرمایه، همان منابع زیرزمینی و پشت سدهایی

پژوهش‌ها و سایر نهادهای عمومی مطرح می‌کنم؛ زمانی که قرار است سیاستگذاری در این زمینه انجام شود و حتی مقررات اجباری برای گزارش‌دهی وضع شود، باید دو سال فرصت داده شود تا شرکت‌ها آماده شوند. وقتی مشخص نیست که بدنه اصلی شرکت‌ها آمادگی چنین گزارشی را دارند یا نه، سیاستگذاری‌ها غیرواقع‌بینانه و انتظارات بی‌جا شکل می‌گیرد.»

کردونی اهمیت انتشار گزارش مسئولیت اجتماعی را در محتوای گزارش مسئولیت‌اجتماعی می‌داند و تأکید می‌کند آنچه اهمیت دارد انتشار این گزارش‌ها براساس استانداردهای بین‌المللی است.

کردونی به‌همراه دیگران همکاران خود در «ندای توسعه» که نهاد مشاوره‌ای دانش‌بنیان‌کشور در حوزه سیستم‌های مسئولیت اجتماعی شرکتی است، پروژه‌ای مطالعاتی را سرانجام رسانده که نشان می‌دهد افشای اطلاعات پایداری شرکتی همچنان در شرکت‌های ایرانی جایگاهی ندارد. این پروژه که نخستین ارزیابی مستقل از وضعیت انتشار اینترنتی گزارش‌های پایداری و اطلاع‌رسانی CSR در میان ۱۰۰ شرکت برتر ایران است، تلاشی است برای روشن کردن ابعاد پنهان اکوسیستم گزارش‌دهی پایداری که تا امروز کمتر نهادی به آن پرداخته.

آمارهایی که فاجعه است

نتایج این پژوهش که از بررسی صد شرکت برتر ایران به‌دست آمده است، نشان می‌دهد تنها «۱۹ شرکت» گزارشی با عنوان «گزارش پایداری» و «پنج سازمان» با عنوان «گزارش CSR» منتشر کرده‌اند. جالب آنکه تنها «۱۰ شرکت» ادعای انطباق با استاندارد بین‌المللی GRI را داشته‌اند و از میان آنها فقط «پنج شرکت» شاخص‌های تأییدشده توسط GRI را دارند؛ آماري که نشان‌های است از درک ناقص یا سطحی‌نگری در مواجهه با الزامات بین‌المللی. علاوه‌برآن، تنها «پنج شرکت» سند راهبردی (مانند نقشه راه پایداری یا بیانیه مأموریت در حوزه CSR) در سایت خود منتشر کرده‌اند. تعداد شرکت‌هایی که به استانداردهای کلیدی مانند ISO ۲۶۰۰۰ یا اهداف توسعه پایدار سازمان ملل (SDGs) اشاره کرده‌اند، از انگشتان یک دست فراتر نمی‌رود.

همچنین این گزارش نشان می‌دهد از صد شرکت برتر ایران، تنها ۴۵ شرکت بخشی اختصاصی در وب‌سایت خود به‌نام «مسئولیت اجتماعی» یا «پایداری» دارند. بااین‌حال، وجود این بخش الزاماً به‌معنای ارائه محتوای مؤثر نیست؛ چراکه «دو صفحه کاملاً خالی» و «پنج صفحه دیگر غیرفعال» بوده‌اند.

نگاهی به آمار شرکت‌هایی که در همایش‌ها و جشنواره‌های CSR برنده یا تقدیر شده‌اند، نیز نگران‌کننده است. از میان «۷۰ شرکت دریافت‌کننده جوایز حوزه CSR»، تنها «دو شرکت» (ایرانسل و بانک پاسارگاد) گزارش CSR یا پایداری را به‌طور مستقل در بازه مورد بررسی منتشر کرده‌اند. این بدان معناست که جایزه‌ها لزوماً با عملکرد شفاف و گزارش‌دهی حرفه‌ای هم‌راستا نیستند.

تصویر جهانی و موقعیت ایران

در مقایسه با روندهای جهانی، وضعیت ایران در زمینه گزارش‌دهی پایداری و CSR به‌وضوح عقب‌مانده محسوب می‌شود. شرکت‌های پیشرو بین‌المللی از وب‌سایت‌های خود نه‌فقط به‌عنوان ویتربینی برای

یود که حالا ته کشیده‌اند. کاهش بی‌سابقه ورودی سدها در بهار

امسال –برای مثال، ۹۲ درصد کمتر از نرمال در اردیبهشت– نشان داد که دیگر نمی‌توان منتظر معجزه باران ماند. پاییز آینده، یعنی آبان و آذر، اولین امید جدی برای بارش است. پس تا آن زمان، هر قطره باید حساب‌شده مصرف شود.

بحران، فقط کم‌آبی نیست

مسئله فقط فیزیکی و جغرافیایی و اقلیمی نیست؛ این یک بحران اجتماعی و حکمرانی است. ساختار تصمیم‌گیری در حوزه آب طی چهار دهه گذشته، بیشتر به ساخت تأسیسات و انتقال آب از گوشه‌وکنار تهران فکر کرده تا کنترل تقاضا و اصلاح رفتار مصرفی. سیاستگذاری‌های نادرست در حوزه تأمین آب سکونتگاه‌های جدید به هر قیمت، تجهیزات پرمصرف، فراموشی مدیریت تقاضا و نبود سیاست‌های مؤثر تشویقی برای صرفه‌جویی، راه را بر عبور از بحران بسته است.

از نگاه جامعه‌شناسی، آب فقط یک ماده حیاتی نیست؛ بخشی از قرارداد اجتماعی میان دولت و شهروندان است. وقتی آب هست، دولت مقبولیت دارد. وقتی آب کم می‌شود، فشار اجتماعی، نارضایتی، انتقاد و واگرایی گسترش می‌یابد. در چنین شرایطی، کاهش فشار آب در شبکه می‌تواند به‌راحتی به نارضایتی عمومی دامن بزند، مگر آنکه با روایت‌سازی، آموزش و مشارکت شهروندان همراه شود.

تبلیغات یا رپورتاژهای پراکنده، بلکه به‌عنوان بستری راهبردی برای تعامل شفاف و ساختاریافته با ذی‌نفعان بهره می‌برند.

در بسیاری از کشورها، افشای اطلاعات ESG (محیط‌زیست، اجتماع، حاکمیت شرکتی) و تدوین گزارش‌های سالانه پایداری براساس چارچوب‌هایی مانند GRI یا SASB، به یک الزام غیررسمی اما تأثیرگذار در رتبه‌بندی‌های جهانی تبدیل شده است. در ایران اما، انتشار گزارش پایداری هنوز نه از سوی نهادهای ناظر الزامی تلقی می‌شود و نه از سوی خود بنگاه‌ها به‌عنوان یک مزیت رقابتی درک شده است.

همچنین در کشورهای توسعه‌یافته، جوایز و گواهی‌های CSR بر مبنای ارزیابی شفاف گزارش‌های منتشرشده اعطا می‌شوند. در مقابل، در ایران حتی شرکت‌هایی که جایزه «گزارش‌دهی بر مبنای GRI» را دریافت کرده‌اند (مانند پتروشیمی اروند یا پالایشگاه تبریز)، هیچ‌گونه گزارش قابل‌دسترسی در فضای اینترنت منتشر نکرده‌اند. مشخص است که شکافی جدی بین اعطای جوایز و شفافیت وجود دارد.

در صنایع خاص مانند غذا و دارو که بیشترین تماس مستقیم با مصرف‌کننده را دارند، انتظار می‌رفت پیشگام در شفافیت باشند. اما داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد حتی در این صنایع نیز گزارش‌دهی پایداری یا مسئولیت اجتماعی، تقریباً نادیده گرفته شده است. درحالی‌که در بسیاری از کشورها، این صنایع پرچمداران شفافیت و تعامل اجتماعی‌اند.

زمان تغییر است

گزارش «ندای توسعه» نشان می‌دهد شرکت‌های ایرانی هنوز به مرحله‌ای از بلوغ نرسیده‌اند که افشای اطلاعات غیرمالی را به‌عنوان یک الزام راهبردی درک کنند. در غیاب الزامات قانونی و نیز ضعف در مطالبه‌گری رسانه‌ای مدنی، بنگاه‌ها انگیزه‌ای برای شفاف‌سازی عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی خود ندارند. همچنین، نهادهای ارزیاب و اعطاکننده جوایز نیز نقش خود را به‌درستی ایفا نمی‌کنند و اعتباربخشی به گزارش‌های واقعی جای خود را به تجلیل از برندها داده است.

لازم است این نوع مطالعات به‌صورت سالانه انجام شود و تداوم داشته باشد. همچنین، ورود نهادهای حاکمیتی، بخش خصوصی و دانشگاهی به طراحی نظام جامع گزارش‌دهی CSR و ESG در ایران الزامی به‌نظر می‌رسد. تدوین چارچوبی بومی، اما هم‌راستا با استانداردهای جهانی می‌تواند مسیر آینده را روشن‌تر کند.

باید دانست مسئولیت اجتماعی شرکتی، مفهومی چند تئیی نیست که در پایان گزارش عملکرد مدیریتی با چند خط به آن اشاره شود. این مسئولیت، رکن چهارم توسعه سازمانی است که بدون آن، هیچ سازمانی نمی‌تواند مدعی پایداری واقعی باشد. اکنون که نخستین گام در مسیر شفافیت برداشته شده، انتظار می‌رود گام‌های بعدی با مشارکت گسترده‌تر ذی‌نفعان، سیاستگذاران و رسانه‌ها برداشته شود.

آینده شفاف و پایدار سازمان‌های ایرانی در گروی مسئولیت‌پذیری واقعی، گزارش‌دهی منظم و تعامل فعال با جامعه است. اولین آینه، همین گزارش‌های سازمانی‌اند که فعلاً خاموش مانده‌اند. وقت آن رسیده که این آینه‌ها را صیقل دهیم.

چه باید کرد؟

برای شرایط بحرانی کنونی راهکار هست، ولی ساده نیست. اول، باید بپذیریم که دوران وفور آب در تهران تمام شده است. تهران دیگر توان توسعه جمعیت‌پذیر ندارد و باید ظرفیت‌های جمعیت و مهاجر را بازتعریف کند. دوم، کاهش مصرف در داخل شهر بلااخص در بخش مسکونی یعنی شرب و بهداشت، در کوماندت تنها راه کنترل بحران است. نوسازی شبکه، مدیریت هوشمند فشار آب، کنترل نشت، اصلاح تصرف‌ها و آموزش مصرف بهینه راهکاری میان‌مدت به حساب می‌آید.

سوم و شاید مهم‌تر از همه، بازسازی رابطه دولت با شهروندان برپایه مشارکت در تصمیمات آبی است. شهروندی که در جریان کم‌آبی باشد و نقشش را بداند، با مسئولیت‌پذیری بیشتری رفتار می‌کند. این یعنی بازنگری در سیاست‌های رسانه‌ای، آموزشی و فرهنگی در سطح ملی و محلی. در مجموع باید گفت اسمال منابع آب تهران به ته رسیده، نه‌فقط از نظر سدها، که از منظر سبک زندگی، الگوی مصرف و مدیریت آب. این بحران، فرصت بازنگری و تغییر است: از سازم‌محوری به تقاضا‌محوری؛ از مصرف بی‌حساب به صرفه‌جویی هوشمندانه. آینده آبی پایتخت، نه در آسمان، که در رفتار ماست چه در حوزه سیاستگذار و چه مردم. حالا وقت آن است که از مصرف درست آب، یک فضیلت و یک رفتار پنج‌بار جمعی بسازیم، نه یک عادت بی‌پاسخ.

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
<div><div>﴿﴾</div><div><div>﴿﴾</div></div></div>	<div><div>﴿﴾</div><div><div>﴿﴾</div></div></div>
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است؛ لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.	برابر آرا صادره هیات‌های موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی منطقه غرب اصفهان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است؛ لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود. درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت‌اسناد و املاک تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند.
ردیف ۲- برابر رای شماره ۵۵۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ هیأت اول مالکیت آقای عبدالمجید شبیه‌گردان به شناسنامه شماره ۱۳۴ کدملی ۱۹۶۷۱۳۹۱۶۲ صادره اصفهان فرزند محمدعلی نسبت به سه دانگ مشاع از شددانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۳۵۳/۳ مترمربع پلاک شماره ۹۲۷ فرعی از اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان سند ۲۷۵/۱ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳۰ دفترخانه ۳۷۱ اصفهان تأیید و محرز گردیده است.	ردیف ۲- برابر رای شماره ۵۵۸۷ مورخ ۱۴۰۴/۰۳/۲۸ هیأت اول مالکیت آقای عبدالمجید شبیه‌گردان به شناسنامه شماره ۱۳۴ کدملی ۱۹۶۷۱۳۹۱۶۲ صادره اصفهان فرزند محمدعلی نسبت به سه دانگ مشاع از شددانگ یکپاک ساختمان به مساحت ۳۵۳/۳ مترمربع پلاک شماره ۹۲۷ فرعی از اصلی واقع در اصفهان بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک غرب اصفهان سند ۲۷۵/۱ مورخ ۱۴۰۰/۶/۳۰ دفترخانه ۳۷۱ اصفهان تأیید و محرز گردیده است.
شهریاری – رئیس منطقه ثبت‌اسناد و املاک غرب اصفهان	شهریاری – رئیس منطقه ثبت‌اسناد و املاک غرب اصفهان
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
شناسه آگهی: ۱۹۷۱۳۳۳	شناسه آگهی: ۱۹۷۱۳۳۳

نوبت اول	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان آذربایجان غربی
<div><div>﴿﴾</div><div><div>﴿﴾</div></div></div>	<div><div>﴿﴾</div><div><div>﴿﴾</div></div></div>
آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی	آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
برابر آرای هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان با مشخصات زیرهر کدام در قسمتی از اراضی زراعی روستای قاطلقوز پلاک ۱۳۸- اصلی واقع در آذربایجان غربی بخش ۱۷ شهرستان بوکان به شرح زیر محرز گردیده است:	برابر آرای هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بوکان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان با مشخصات زیرهر کدام در قسمتی از اراضی زراعی روستای قاطلقوز پلاک ۱۳۸- اصلی واقع در آذربایجان غربی بخش ۱۷ شهرستان بوکان به شرح زیر محرز گردیده است:
۱- محمد خاندانی فرزند سعید به شماره شناسنامه ۲۳۵ در شددانگ قطعه به شماره ۱۸۵ به مساحت ۵۶۶/۳۲ خریداری شده از سعید خاندانی	۱- رسول رحمانی نژاد فرزند سعید به شماره شناسنامه ۸۲ در شددانگ قطعات ۱۰۷ به مساحت ۱۲۵/۵۴۱ متر، قطعه شماره ۱۶ به مساحت ۲۸۶/۲۳۲ متر، قطعه ۱۰۹ به مساحت ۴۶۱/۰۷۲ متر، قطعه ۱۰۸ به مساحت ۲۰۰۹/۴۳ متر همگی خریداری شده از فریدون امیری
۲- حسن شریف زاده فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۵۰۰ در شددانگ قطعه به شماره ۲۶۰ به مساحت ۱۱۶/۰۹۶ خریداری شده از محمد صالح فیض اله بیگی	۲- حسن شریف زاده فرزند رحیم به شماره شناسنامه ۵۰۰ در شددانگ قطعه به شماره ۲۶۰ به مساحت ۱۱۶/۰۹۶ خریداری شده از محمد صالح فیض اله بیگی
۴- عثمان رشیدی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۸۲ در شددانگ قطعات ۴۶ به مساحت ۱۵۲۴/۶۹ متر و قطعه ۴۵ به مساحت ۹۸۸۸/۳۹۹ متر همگی خریداری شده از حسین رشیدی	۴- عثمان رشیدی فرزند حسین به شماره شناسنامه ۲۸۲ در شددانگ قطعات ۴۶ به مساحت ۱۵۲۴/۶۹ متر و قطعه ۴۵ به مساحت ۹۸۸۸/۳۹۹ متر همگی خریداری شده از حسین رشیدی
۵- محمد فرجی فرزند فیض اله به شماره شناسنامه ۱ در شددانگ قطعات ۲۲۰ به مساحت ۵۳۰۸/۱۶ متر، خریداری شده از رضا حاجی و قطعه ۲۴۴ به مساحت ۹۶۵/۲۷۵ متر خریداری شده از زوره عبدالله احمدی	۵- محمد فرجی فرزند فیض اله به شماره شناسنامه ۱ در شددانگ قطعات ۲۲۰ به مساحت ۵۳۰۸/۱۶ متر، خریداری شده از رضا حاجی و قطعه ۲۴۴ به مساحت ۹۶۵/۲۷۵ متر خریداری شده از زوره عبدالله احمدی
۶- آقایان احمد به شماره شناسنامه ۳۶۹ و محمود به شماره شناسنامه ۴۴۷ هر دو شهرت رحمانی فرزندان محمد امین هر کدام به نسبت سه دانگ مشاع از شددانگ قطعه به شماره ۳۷ به مساحت ۱۴۴۳/۹/۶۳ متر خریداری شده از محمد امین رحمانی	۶- آقایان احمد به شماره شناسنامه ۳۶۹ و محمود به شماره شناسنامه ۴۴۷ هر دو شهرت رحمانی فرزندان محمد امین هر کدام به نسبت سه دانگ مشاع از شددانگ قطعه به شماره ۳۷ به مساحت ۱۴۴۳/۹/۶۳ متر خریداری شده از محمد امین رحمانی
۷- آقایان حسام به شماره شناسنامه ۵۰۴ رحمن به شماره شناسنامه ۴۵۹ هر دو شهرت رحمانی فرزندان کریم هر کدام به نسبت سه دانگ مشاع از شددانگ قطعه به شماره ۱۶۷ به مساحت ۱۰۵۷۸/۴۱ خریداری شده از کریم رحمانی	۷- آقایان حسام به شماره شناسنامه ۵۰۴ رحمن به شماره شناسنامه ۴۵۹ هر دو شهرت رحمانی فرزندان کریم هر کدام به نسبت سه دانگ مشاع از شددانگ قطعه به شماره ۱۶۷ به مساحت ۱۰۵۷۸/۴۱ خریداری شده از کریم رحمانی
لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است در صورت لفتقاری مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. بدین است در صورت لفتقاری مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
اداره ثبت اسناد و املاک آذربایجان غربی	اداره ثبت اسناد و املاک آذربایجان غربی
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵ – تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰
شناسه آگهی: ۱۹۷۱۴۵۷	شناسه آگهی: ۱۹۷۱۴۵۷

عکس نوشت

عکاس: مهدی محبی‌پور - ایرنا



کشتی سنتی «لوچو» یکی از ورزش‌های بومی استان مازندران است که ریشه در تاریخچه فرهنگی منطقه دارد. این ورزش از دیرباز در روستای «چرات» سوادکوه برگزار می‌شود. مسابقات کشتی لوچو در «چرات» به‌عنوان مراسمی محلی و سنتی هرساله به مناسبت عید ماه طبری برگزار می‌شود.

چهره | «مایکل کین» خواستار پایان گرسنگی کودکان در غزه شد



«مایکل کی»، بازیگر برجسته بریتانیایی، با انتشار پست‌هایی در شبکه اجتماعی ایکس، خواستار پایان دادن به گرسنگی کودکان در غزه شد. او وضعیت انسانی در محاصره اسرائیل را نگران‌کننده خواند و تأکید کرد کودکان بی‌گناه باید فرصتی برای زندگی داشته باشند. اظهارات این بازیگر ۹۱ ساله با استقبال گسترده کاربران در شبکه‌های اجتماعی مواجه شده است. سازمان‌های بشردوستانه نیز نسبت به قحطی و مرگ کودکان در غزه هشدار داده‌اند و خواستار کمک فوری جامعه جهانی هستند. | ایسنا

حاشیه | تعطیلی یک‌ساله شورای پاسداشت زبان فارسی



شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که متشکل از ۱۲ دستگاه دولتی است، بیش از یک سال است جلسه برگزار نکرده است. این شورا مسئول نظارت و ساماندهی زبان فارسی است و آخرین جلسه آن خرداد ۱۴۰۳ در دولت سیزدهم برگزار شد. علت تأخیر طولانی در برگزاری جلسات به تغییرات دولت و وزارت فرهنگ ارشاد نسبت داده شده، اما پاسخ شفافی در این زمینه اعلام نشده است و زمان جلسه بعدی شورا هنوز مشخص نیست. | ایسنا

دیدگاه | نگاهی به فیلم «در سرزمین برادر» برگزیده جشنواره ساندنس بی‌سرزمین‌تر از باد



ماحسن تیزهوش | منتقد سینما

فیلم با استاندارد مطلوبی در کارگردانی ساخته شده و فیلمنامه و بازی‌ها نیز به‌درستی نوشته و انجام شده‌اند. فیلمبرداری و نورپردازی اثر نیز نقطه اتکای داستان شده و اگر مخاطب چیزی از زمینه داستان و زندگی افغانستان‌ها در ایران نداند نیز می‌تواند جذب این فیلم و روایتگری آن شود. فیلم به‌جای نمایش کلیشه‌ای از مهاجران، تصویری انسانی و قابل‌درک از شخصیت‌های خود ارائه می‌دهد. این فیلم به سه بخش کوتاه تقسیم شده که همگی در ایران اتفاق می‌افتند: در اپیزود نخست با پسر جوانی آشنا می‌شویم که در دنیایی فانتزی و عاشقانه زندگی می‌کند که در مسیر مدرسه طعمه یک سرباز خودسرمی‌شود و با تهدید «رد مرز» مجبور به پذیرش فرمانی خودخواهانه او می‌شود. اپیزود دوم ماجرای یک خدمتکار ویلایی در شمال است که با وجود ارتباط مناسب با صاحبخانه از ترس محرومیت از حق اقامت، حقیقتی را از آنها پنهان می‌کند. در اپیزود پایانی با مردی همراه می‌شویم که خبر تلخ کشته‌شدن فرزندش در سوریه را دریافت می‌کند و حالا باید همسرش را برای شنیدن این خبر آماده کند. موردی که در هر بخش از اثر، گریبان مخاطب را می‌گیرد و او را مجذوب خود می‌کند، این است که فیلمنامه، اگرچه سرشار از تلخی دراماتیک است، اما وضوح احساسات در درجه‌ای از منطق قرار گرفته که بیننده را در ورطه همذات‌پنداری قرار

سینما | سایه‌های مهاجرت در قاب سینما



منطقه پرداخته و مین‌ها را خنثی کرده است. محبوبه پس از سکونتش در خانه ویرانش، به‌صورت تصادفی تانکی را زیر آوار پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد آن را بفروشد. او به مردی افغان و تنها به‌نام «جمعه» (رضا کیانیان) که نگهبان گورستان تانک است، پیشنهاد فروش تانک خود را می‌دهد. رضا کیانیان در یکی از شخصی‌ترین فیلم‌های حاتمی‌کیا در نقش یک مهاجر افغانستانی بازی می‌کند که در یک قبرستان متروک زندگی کرده و با حضور دو شخصیت، زندگی او دستخوش تغییر می‌شود. فیلم «عروس افغان» هم از فیلم‌هایی است که نقش «حسین یاری» در آن مورد توجه قرار گرفت. او نقش مرد جوانی به‌نام «گل‌محمد» را بازی می‌کند که به دختری علاقه‌مند شده و برای پرداختن پول شیربهای او به پاکستان رفته تا کار کند و پول دریاورد. از فیلم‌های جدیدتر هم می‌توان به فیلم «چند مترمکعب عشق» محصول سال ۱۳۹۲ به کارگردانی و نویسندگی «چشمید محمودی» و تهیه‌کنندگی «نوید محمودی» اشاره کرد. داستان فیلم درباره «عبدالسلام» (نادر فلاح) یک مهاجر افغان است، به‌همراه دخترش «هرونا» (حسیبا ابراهیمی) در یک کارگاه مشغول کار و زندگی است. مرونا عاشق «صابر» (ساعد سهیلی) یکی از کارگران کارگاه می‌شود. بازی نادر فلاح در این فیلم مورد توجه قرار گرفت. «مردن در آب مطهر» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی برادران محمودی هم محصول سال ۱۳۹۸ است. این فیلم در بخش سودای سیمرغ سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت و نامزد دریافت دو جایزه شد. تعداد فیلم‌هایی که درباره مهاجران افغانستانی ساخته شده، بسیار فراتر از این چند فیلم است. تصویر مهاجران افغانستانی در سینمای ایران، فراتر از قاب فیلمها، بازتابی از واقعیت‌های زندگی و تلاش برای بقا و همدلی است. روایت‌هایی که فرصت تازه‌ای برای فهم عمیق‌تر و همراهی بیشتر فراهم می‌آورد.

ایپیم ما | سینمای ایران از دیرباز به تصویر کشیدن زندگی و داستان‌های مردم همسایه افغانستان پرداخته و به‌این‌ترتیب پیوندهای فرهنگی و انسانی میان دو ملت را نشان داده است. این روایت‌ها، فراتر از مرزهای سیاسی، تصویری از اشتراک‌ها و همدلی‌های روزمره را به مخاطب منتقل می‌کند. مهاجران افغانستانی که در دل جامعه ایرانی حضور دارند، در قاب فیلم‌ها زندگی و دغدغه‌های خود را بازتاب می‌دهند و به این وسیله، سینما پلی است برای بهتر فهمیدن و نزدیک‌تر شدن دو فرهنگ که تاریخ و زبان، آنها را به هم پیوند داده است. سینمای ایران هم طی چند دهه این تصویر را به نمایش گذاشته است و در ادامه به چند فیلم شاخص اشاره می‌کنیم. می‌توان گفت حضور اتباع افغانستانی در سینمای ایران با فیلم «باران» ساخته «مجدید مجیدی» در سال ۱۳۷۹ رقم خورد و مورد توجه منتقدان قرار گرفت. فیلم داستان گروهی کارگر افغان را روایت می‌کند که در ساخت یک برج مشغول‌اند. «طیغ»، کارگر روستایی و مسئول تغذیه، جای خود را به پسر یک کارگر زخمی به‌نام «رحمت» می‌دهد.

شهرهای جهان | هنر تعاملی، پلی میان ساکنان و فضای شهری



در سال‌های اخیر، هنر تعاملی به‌عنوان ابزاری نوآورانه در بازآفرینی هویت محلات و پویایی فضاهای شهری نقش مهمی ایفا کرده است. برخلاف هنرهای سنتی که صرفاً جنبه زیبایی‌شناسانه داشتند، هنر تعاملی با بهره‌گیری از فناوری‌هایی مثل واقعیت افزوده، رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای هوشمند، فضایی زنده و مشارکتی برای شهروندان ایجاد می‌کند. این نوع هنر، دیوارها و فضاهای عمومی را به بستری برای تبدیل می‌کند که شهروندان می‌توانند با آنها تعامل داشته باشند و روایت‌های محلی و فرهنگی را تجربه کنند. نمونه‌های موفق جهانی مانند کیپ‌تاون در آفریقای جنوبی، مدلیس در کلمبیا، بولونیا در ایتالیا و دمشق در سوریه نشان می‌دهند هنر تعاملی چگونه می‌تواند به بازسازی

هویت محلات کمک و پیوندهای اجتماعی را تقویت کند. در کیپ‌تاون، بیش از ۸۳۰ پروژه هنری اجرا شده که حس تعلق به مکان و انسجام اجتماعی را افزایش داده است. در مدلیس، ترکیب هنر خیابانی و زیرساخت‌های اجتماعی باعث کاهش چشمگیر خشونت و رونق اقتصادی شده است. بولونیا با پروژه‌های محله‌محور، محیطی برای مشارکت و همزیستی اجتماعی فراهم کرده و در دمشق، هنر شهری به بازسازی هویت تاریخی و تقویت روحیه اجتماعی کمک کرده است. علاوه‌بر ابعاد فرهنگی، هنر تعاملی به‌عنوان ابزاری آموزشی درباره مسائل اجتماعی و محیط‌زیستی عمل می‌کند و شهروندان را به مکان‌هایی پویا، پایدار و انسانی تبدیل می‌کند. این روند نوین بازآفرینی شهری، با مشارکت فعال مردم و استفاده هوشمندانه از فناوری، راهی مؤثر برای خلق فضاهای عمومی جذاب و همبسته است که فراتر از زیبایی، به توسعه اجتماعی و اقتصادی محلات کمک می‌کند. | ایسنا